

فراز و نشیب روابط خارجی کریم خان زند با انگلستان*

_____ مهدی ابراهیمی**

احمد موسوی***

چکیده

افتتاح تجارتخانه در بوشهر به سال ۱۷۶۳م. توسط کمپانی هند شرقی انگلیس، مقدمه ایجاد روابط ایران و انگلستان در دوره زندیه است. در این مقطع تاریخی، گذشته از عامل تجارت، لزوم ایجاد امنیت در سواحل جنوبی و منطقه خلیج فارس و فقدان نیروی دریایی مناسب برای نیل به این مقصود، دولتمردان ایران را به ایجاد روابط با قدرت‌های حاضر در منطقه با هدف بهره‌مندی از نیروی دریایی آنها ترغیب می‌کرد. عدم همکاری مؤثر انگلیسی‌ها و نیز حمایت کریم‌خان زند از قبیله بنی‌کعب که کمپانی انگلیسی آن را تهدیدی علیه منافع تجاری خود در منطقه می‌دانست؛ موجب بروز تنش‌هایی در روابط دو طرف گردید، تا آنجا که انگلیسی‌ها در سال ۱۷۶۹م. بوشهر را ترک کردند. اگرچه اهمیتی که کریم‌خان برای تجارت قائل بود و نیز از رونق افتادن بصره - به عنوان مهم‌ترین مرکز تجاری انگلستان در خلیج فارس - و فتح آن توسط ایران، زمینه ساز روابط مجدد دو کشور شد، اما مرگ کریم‌خان و درگیری‌های داخلی پس از آن، روابط دو کشور را جز در موارد محدود و معدودی به رکود کشانید. واژگان کلیدی: زندیه، کریم‌خان، روابط خارجی، انگلستان، خلیج فارس، بوشهر، بصره.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۲/۲۶.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۷/۲۸.

** کارشناس ارشد تاریخ

E-mail: mysterious.devil25@yahoo.com

*** عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور مرکز بندر لنگه

E-mail: Ahmadmoosavi93@yahoo.com

۲ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

مقدمه

کریم‌خان زند در پی برخی ناآرامی‌های سراسری در ایران به قدرت رسید و پس از قدرت‌یابی امنیت داخلی مناسبی را برقرار کرد. به‌طور کلی می‌توان گفت که دوران کریم‌خان زند، دوران ترقی در تاریخ ایران است. کریم‌خان که خود را وکیل‌الرعا یا و نه شاه می‌خواند، موفق به اجرای اقدامات و اصلاحاتی در سطح ملی گردید. علی‌رغم مطالعات تاریخی، روابط خارجی کریم‌خان زند، یکی از ابهامات تاریخ معاصر ایران است. این مقاله بر آن است که روابط خارجی کریم‌خان را با بریتانیا مورد بررسی و دقت نظر قرار دهد.

۱. کمپانی هند شرقی بریتانیا

شورش‌ها و نابسامانی‌های داخلی ایران که از اواخر عمر نادرشاه افشار (۱۶۰-۱۱۴۸ق). (۱۷۳۶-۴۸م)، آغاز شده بود، با قتل وی در سال ۱۱۶۰ق. / ۱۷۴۸م، شدت یافت. نا امنی‌های موجود به ویژه در نواحی جنوبی، بیشتر بود. به‌طور مثال، بندرعباس مهم‌ترین مرکز فعالیت‌های تجاری کمپانی هند شرقی انگلیس در ایران، پیوسته مورد هجوم اقوام گوناگون داخلی و خارجی قرار می‌گرفت. (زای، ۱۳۷۸: ۵۶-۵۵ / وثوقی، ۱۳۸۲: ۳) ایوز^۱ که در سال ۱۱۶۷ق. / ۱۷۵۴م. از بندرعباس دیدن کرده بود، با اشاره به اوضاع نابسامان آن منطقه بیان می‌کند که بندرعباس هیچ‌گونه بازدهی اقتصادی برای کمپانی در بر ندارد. (Ives, 1773: 158) این مشکلات همراه با حمله کشتی‌های فرانسوی به مرکز تجاری کمپانی و به آتش کشیدن آن سبب گردید تا آنها به ترک بندرعباس و استقرار در نقطه دیگری از خلیج فارس مبادرت ورزند. بدین منظور در سال ۱۱۷۴ق. / ۱۷۶۱م. داگلاس^۲ از

^۱ Ives.

^۲ Douglas.

۳ فراز و نشیب روابط خارجی کریم خان زند با انگلستان

سوی کمپانی مامور شد تا منطقه مناسبی جهت ایجاد پایگاه جدید در خلیج فارس شناسایی کند. (برومند، ۱۳۸۱: ۴۱-۴۰) که سرانجام این پایگاه به بوشهر منتقل شد.

۱-۱- استقرار بریتانیا در بوشهر و انعقاد قرارداد ۱۷۶۳ م.

انگلیسی‌ها در سال ۱۱۷۶ ق. / ۱۷۶۳ م.، ویلیام اندو پرایس^۱ نماینده سیاسی خود در خلیج فارس را در رأس هیأتی به بوشهر اعزام کردند. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۵: ۱۰۲ / اصفهانیان و مشایخی، ۱۳۸۳: ۱۰۹) وی پس از مذاکره با شیخ سعدون حاکم بوشهر و تأسیس شرکت تجاری در آنجا، بنیامین جرویس^۲ را به ریاست آن شرکت منصوب کرد و دو نفر از کارمندان خود به نام‌های توماس دارن فورد^۳ و استفان هرملیت^۴ را برای تأیید و تصویب نهایی قرارداد به شیراز اعزام کرد. (رائین، ۱۳۵۰: ۶۶۹ / الهی، ۱۳۶۸: ۶۹) اگرچه بوشهر در زمان عقد قرارداد تحت کنترل کامل حکومت زند بود، اما انگلیسی‌ها اطلاعی از رابطه حاکم بوشهر و کریم‌خان زند نداشتند. گویا شیخ سعدون نیز در طول مذاکرات از وی نام نبرده بود. (امین، ۱۳۷۰: ۱۱۲) به هر حال پرایس به محض اطلاع از این موضوع، به همان نحوی که اشاره شد اقدام نمود و افراد مذکور را با هدایایی به شیراز فرستاد. از آن جا که در این زمان کریم‌خان جهت سر و سامان دادن به نواحی شمالی ایران در آنجا به سر می‌برد، این قرارداد از طرف وی و توسط برادرش صادق خان زند که به عنوان نایب‌السلطنه در شیراز بود، بسته شد و متن آن بعدها به وسیله فرمانروای زند تأیید گردید. (نوابی، ۱۳۸۴: ۱۸۱ / پری، ۱۳۸۳: ۳۶۵)

^۱ William Ando Price.

^۲ Benjamin Jervis.

^۳ Thomas Durnford.

^۴ Estephan Hermlit.

۴ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

۱-۲- مفاد قرارداد ۱۷۶۳م.

این قرارداد در ۲۳ ذی‌الحجه ۱۷۶۳ق. / ۲ ژوئن ۱۷۶۳م. منعقد شد و در منابع مختلف دوره زندیه با تفاوت‌هایی جزئی آمده است. در این جا مفاد قرارداد عمدتاً از کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا، تألیف حسام معزی، با اندکی تلخیص و تفاوت‌های نگارشی آورده می‌شود و ضمن مطابقت آن با برخی منابع مستند، بیان خواهد شد.

ماده اول) - بریتانیا می‌تواند هر مقدار زمین که برای ساختن مرکز بازرگانی لازم دارد، در بوشهر یا هر نقطه دیگر از قلمرو پادشاهی ایران در اختیار بگیرد و هر چند قطعه توپ که بخواهد در آن به کار گیرد. با این وجود، وزن توپ‌ها نباید از ۶ پوند (حدود ۳ کیلوگرم) بیشتر باشد.

ماده دوم) - به کلیه اجناس و کالاهایی که انگلیسی‌ها از بوشهر یا سایر بنادر ایرانی وارد یا صادر می‌کنند؛ هیچ نوع عوارض گمرکی تعلق نمی‌گیرد. با این حال، حاکم آن جا می‌تواند سه درصد حقوق گمرکی برای صادرات دریافت کند. بند آخر این ماده در منابع دیگر، به جز منابعی که در تبیین مفاد قرارداد به حسام معزی استناد کرده‌اند، موجود نیست. (سایکس، ۱۳۴۳: ۴۳۸ / راین، ۱۳۵۰: ۶۷۰)

ماده سوم) - به جز بریتانیا هیچ کشور اروپایی دیگری اجازه وارد کردن کالاهای پشمی به ایران را ندارد.

ماده چهارم) - هر گاه بازرگانی به انگلیسی‌ها مقروض شود، حاکم باید وی را وادار به پرداخت بدهی کند. در صورت عدم تمایل یا توانایی حاکم، انگلیسی‌ها مجازند به طرقی که صلاح می‌دانند، در جهت گرفتن طلب خود اقدام کنند.

ماده پنجم) - انگلیسی‌ها مختارند کالاهای خود را به هر کس که می‌خواهند بفروشند و حکام محلی حق دخالت در این معاملات را ندارند. کاشانی در این باره می‌نویسد: «تجار

۵ فراز و نشیب روابط خارجی کریم خان زند با انگلستان

انگلیسی مختارند که مالالتجاره خود را به هر کس می‌خواهند بفروشند و متاع ایرانی را از هر کس بخواهند بخرند».

ماده ششم) - وقتی یک کشتی انگلیسی وارد یکی از بنادر خلیج فارس می‌شود، هیچ تاجر یا بازرگانی نباید محرمانه و بدون اجازه نماینده مقیم کمپانی با آنها داد و ستد کند.

ماده هفتم) - انگلیسی‌ها و کسانی که تحت حمایت آنها هستند، در اجرای مراسم دینی آزاد هستند و کسی نباید متعرض آنها شود.

ماده هشتم) - به سربازان، ملوانان و غلامان بریتانیا که فرار می‌کنند، نباید پناه داده شود و باید آنها را به مقامات بریتانیا تحویل دهند.

ماده نهم) - مترجمان، نوکرها و سایر وابستگان نمایندگی انگلیس در بوشهر از پرداخت عوارض گمرکی و مالیات معاف و در تمام امور مطیع دستورهای روسای خود هستند و کسی حق دخالت ندارد. سایکس در تبیین این ماده از قرارداد اشاره‌ای به بخش دوم آن نمی‌کند و چنین می‌نویسد: «دلال‌ها، مستخدمین و دیگران که در نمایندگی کار می‌کنند از پرداخت مالیات یا عوارض گمرکی معاف هستند» (سایکس، ۱۳۴۳: ۴۳۹)

ماده دهم) - در هر کجا که انگلیسی‌ها اقامت دارند یک قطعه زمین برای قبرستان به آنها تعلق می‌گیرد.

ماده یازدهم) - اجناس آب افتاده نباید به ایران وارد شود. لازم به توضیح است که این ماده فقط در کتاب تاریخ ایران اثر سایکس آمده است و در منابع دیگر اشاره‌ای به آن نشده است. (حسام معزی، ۱۳۲۶: ۱۷-۱۵) و (رائین، ۱۳۵۰: ۶۷۲ / محمود، ۱۳۵۳: ۹ و سایکس، ۱۳۴۳: ۴۹۳)

کریم‌خان به میل خود چند ماده به قرارداد افزود که می‌توان آن را تعهدات انگلیسی‌ها در قبال حکومت زند یا متمم قرارداد نامید. این مواد الحاقی در منابع دوره زندیه، این گونه ذکر شده است:

۶ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

ماده اول) - تمام معاملات باید به رضایت دو طرف و با قیمت عادلانه انجام گیرد و انگلیسی‌ها نباید تمام پول کالاهای خود را که در ایران به فروش می‌رسانند به خارج حمل کنند.

ماده دوم) - انگلیسی‌ها به هیچ وجه نباید اسباب زحمت و آزار و اذیت مسلمانان را فراهم کنند و هر قدر کالا که به ایران وارد می‌کنند، باید اولویت در خرید را به تجار و بازرگانان سرشناس و معتبر بدهند.

ماده سوم) - انگلیسی‌ها مجاز نیستند سرکشان و یاغیان را پناه دهند یا آنها را از مملکت خارج کنند و به طور مستقیم یا غیر مستقیم دشمنان فرمانروای ایران را مساعدت کنند. هرگاه مرتکب چنین عملی بشوند، به سختی مجازات خواهند شد. (حسام معزی، ۱۳۲۶: ۱۸ -

۱۷ / راین ، ۱۳۵۰ : ۶۷۲ / محمود، ۱۳۵۳: ۹ - ۸)

پس از آن کریم‌خان به همه کارگزاران ایرانی در بنادر خلیج فارس دستور داد که برای تسهیل کار داد و ستد انگلیسی‌ها از هیچ گونه مساعدتی دریغ نوزند. به پیروی از این دستور، شیخ سعدون حاکم بوشهر به هزینه خود به احداث مرکز بازرگانی انگلیس در بوشهر کمک کرد و متعهد شد که از جان و مال اتباع انگلیسی حمایت کند و دست آنها را در داد و ستد باز گذارد. (Aitchison, 1933: 40-44)

۱-۳- اهداف کریم‌خان در برقراری رابطه با کمپانی انگلیسی

قراردادهای دوجانبه، دربردارنده خواسته‌ها و نیازهای دو طرف و به طور کلی حاوی موادی است که دستیابی به اهداف را برای طرفین، در نظر دارد. قرار داد ۱۷۶۳م. نیز به عنوان یک قرارداد دوجانبه، نه یک جانبه و تحمیلی از این قاعده مستثنی نیست. این قرارداد اگرچه در ظاهر حاوی موادی است که تاسیس یک مرکز تجاری انگلیسی در

۷ فراز و نشیب روابط خارجی کریم خان زند با انگلستان

بوشهر و چگونگی فعالیت آنها در ایران را مشخص می‌کرد، اما در واقع کریم‌خان زند قصد داشت با فراهم کردن شرایط مناسب برای تجارت انگلیسی‌ها در ایران و اعطای امتیازاتی به آنها، با برقراری رابطه دوستانه با یک دولت مقتدر غربی به اهداف مورد نظر خود دست یابد. با توجه به آنچه از منابع این دوره استنباط می‌شود، می‌توان گفت خان زند دو هدف عمده را دنبال می‌کرد:

الف) - انگلیسی‌ها تجارت گسترده‌ای در خلیج فارس داشتند. از آنجا که کریم‌خان توجه خاصی به برقراری روابط با دولت‌های خارجی به منظور توسعه تجاری قلمرو خود داشت، خواهان فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری آنها در ایران بود. پری ضمن اشاره به این موضوع که کریم‌خان زند، شیخ سعدون را برای گفتگو با انگلیسی‌ها ترغیب کرده بود، این اقدام را بخشی از سیاست کلی وی جهت احیای تجارت در ایران قلمداد می‌کند. (پری، ۱۳۸۳: ۳۶۵) در آغاز امتیازنامه‌ای که کریم‌خان به کمپانی هند شرقی بریتانیا واگذار کرد، در توصیف این موضوع نوشته شده است که پادشاهی ایران باید شکوفا گردد و با افزایش تجارت و داد و ستد و نیز اجرای عدل و داد، عظمت گذشته را باز یابد. (فوران، ۱۳۷۸: ۱۴۴) از دیدگاه یاپ، خان زند نظر به توجهی که به پیشرفت تجارت داشت، امتیازاتی به انگلیسی‌ها داد و در پی آن یک نمایندگی تابع بصره در بوشهر تاسیس یافت. (یاپ، ۱۳۷۷: ۱۸۲) از طرف انگلیسی‌ها، سایکس نیز این گفته را تأیید می‌کند. (Sykes, 1992: 10)

ب) - عامل دیگر را باید نیاز کریم‌خان زند به کمک و مساعدت نیروی دریایی بریتانیا برای مقابله با میرمهنا به عنوان عنصری گریز از مرکز و مخل امنیت تجاری خلیج فارس دانست. امین، این عامل را هدف اصلی وی از برقراری رابطه با بریتانیا تبیین می‌کند. (امین، ۱۳۷۰: ۱۱۸) وره‌رام با اشاره به رد درخواست انگلیسی‌ها مبنی بر گسترش روابط تجاری با ایران از سوی خان زند در سال ۱۱۷۶ ق. / ۱۷۶۲ م.، نیاز به همکاری آنها

۸ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

در نبرد با میرمهنا را دلیل موافقت کریم‌خان با درخواست انگلیسی‌ها در سال بعد و انعقاد قرارداد ۱۱۷۷ق. / ۱۷۶۳م. ذکر می‌کند. (ورهرام، ۱۳۸۵: ۱۳۷ - ۱۳۶) دلدن در این زمینه می‌نویسد: «کریم‌خان با واگذاری چنین تسهیلات بزرگی انتظار داشت که انگلیسی‌ها او را در مبارزه با میرمهنا و امام عمان یاری دهند.» (دلدن، ۱۳۶۳: ۱۰۲) نوایی نیز ضمن اشاره به اقدامات میرمهنا بیان می‌کند که سرکوبی وی، خان زند را ناگزیر به نزدیکی به بریتانیا کرد. (نوایی، ۱۳۸۴: ۵۹۷)

پیشینه اتکای ایران به ناوگان دریایی دولت‌های اروپایی به حکومت صفویه (۱۱۳۵-۹۰۷ق. / ۱۷۲۲-۱۵۰۲م.) و آغاز رابطه با غرب بازمی‌گردد. روندی که در دوره‌های بعدی ادامه یافت و ایران را در برابر آنها در موقعیتی وابسته قرارداد. (فلور، ۱۳۷۱: ۲۵۵) در واقع حکومت‌های ایرانی به دلیل فقدان نیروی دریایی مقتدر و یکپارچه، در حل مسایل خلیج فارس، نیازمند همراهی و همکاری کشورهای اروپایی حاضر در منطقه به ویژه بریتانیا به عنوان نیرومندترین ناوگان دریایی در خلیج فارس بودند. چنان‌که شاهان صفوی در مواردی مانند بیرون راندن پرتغالی‌ها از هرمز و مقابله با تعرضات اعراب عمان به سواحل جنوبی ایران از آنها کمک خواستند. یا نادرشاه افشار زمانی که در صدد تاسیس ناوگان دریایی بر آمد از اروپایی‌ها درخواست کمک کرد. (پری، ۱۳۷۷: ۱۴) این موضوع در دوره کریم‌خان زند نیز ادامه داشت. در این مقطع تاریخی، ضعف نیروی دریایی ایران در مقابله با قدرت‌های محلی منطقه، عامل مهمی در نزدیکی حکومت زند به انگلیسی‌ها بود. گویا کریم‌خان زند همچون نادرشاه آنها را تنها متحد احتمالی در برابر دزدان و غارتگران خلیج فارس می‌پنداشت. (پری، ۱۳۸۳: ۳۶۶ / امین، ۱۳۷۰: ۱۱۳)

اگرچه این موضوع برای خان زند از اهمیت بسیاری برخوردار بود و در برقراری رابطه با دولت‌های اروپایی - کمپانی‌های غربی حاضر در منطقه - همواره بر همراهی آنها برای

۹ فراز و نشیب روابط خارجی کریم خان زند با انگلستان

رسیدن به اهداف ذکر شده تاکید داشت، اما این بدان معنی نیست که تجارت و ایجاد مناسبات تجاری با کشورهای خارجی برای کریم خان زند بی اهمیت بود و صرفاً به خاطر نیازی که به کمک آنها در این زمینه داشت، مجبور به دادن امتیازاتی شده باشد.

۱-۴- عوامل تاثیر گذار بر روابط دو طرف

در دوره زند و به ویژه در حکومت کریم خان، دو عامل مهم و اساسی که ارتباط عمیق و تنگاتنگی با حوادث و جریانات تاریخی مربوط به خلیج فارس دارد، همواره روند روابط ایران و بریتانیا یا به عبارتی تعاملات حکومت زند و کمپانی هند شرقی را به چالش می کشید. به طوری که همین دو عامل زمینه ساز سردی و حتی تیرگی روابط دو طرف و سرانجام خروج انگلیسی ها از بوشهر در سال ۱۱۸۳ ق. / ۱۷۶۹ م. گردید. در ذیل به این دو عامل اشاره شده است.

۱-۴-۱ اقدامات میرمهنا

چنان که اشاره شد، مهم ترین هدف کریم خان زند در برقراری رابطه با انگلیسی ها، بهره مندی از همکاری نیروی دریایی بریتانیا علیه دزدان دریایی بود. اما چنان که خواهد آمد، عدم موافقت آنها در همراهی با خان زند در دستیابی به این مقصود باعث بروز مشکلاتی در روابط دو کشور گردید.

اقدامات میرمهنا و پیامدهای آن، حکومت زند را بر آن داشت تا به بندر ریگ لشکرکشی کند. اما میرمهنا هر بار به دریا می گریخت و به دلیل فقدان نیروی دریایی مناسب، اقدامات دولت مرکزی نتیجه ای در پی نداشت. به نظر می رسد نخستین درخواست همکاری از بریتانیا برای سرکوبی میرمهنا توسط صادق خان صورت گرفته باشد؛ اما از آن جا که کمپانی

۱۰ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

تمایلی به این کار نداشت، درخواست فوق را با این ادعا که کشتی‌های انگلیسی، مناسب انجام عملیات دریایی در خلیج فارس نیستند، رد کرد. (امین، ۱۳۷۰: ۱۸) گویا پیشنهاد جرویس، ریاست نمایندگی بوشهر به صادق‌خان مبنی بر پرداخت سالیانه حدود ۲۲ هزار روپیه از سوی حکومت ایران به انگلیس برای نگهداری یک ناو جنگی در منطقه نیز به این دلیل که هزینه نگهداری آن گران‌تر از مبلغ پیشنهادی تمام می‌شد، از سوی حکومت بمبئی با استقبال روبه‌رو نشد. (Lorimer, 1986: 172 / Saldanha, 1986: 177 ق. / سپتامبر ۱۷۶۴م. زمانی که کریم‌خان زند شخصاً با ارسال نامه‌ای به جرویس اذعان کرد که به‌زودی عازم لشکر کشی به بندر ریگ است و انتظار دارد چند کشتی انگلیسی وی را یاری دهند، (پری، ۱۳۸۳: ۲۶۶) این درخواست‌ها شکل جدی‌تری به خود گرفت. به این منظور سپاهی به فرماندهی امیر گونه‌خان افشار عازم نواحی جنوبی شد و منتظر ورود کشتی‌های انگلیسی ماند. از آن جا که دولت بمبئی در این باره اختیار تام به جرویس داده بود،^۱ (Saldanha, 1986: 188) وی از نمایندگی بصره تقاضای اعزام کشتی «تارتار» را نمود. پیتر الوین رنچ^۲، ریاست نمایندگی بصره با اینکه هم از حکومت ایران به این دلیل که موضوع را به جای در میان گذاشتن با وی با نمایندگی بوشهر در میان گذاشته بود و هم از جرویس که نامه‌های وکیل را برای وی ارسال نکرد، ناراحت بود، اما، سرانجام با اعزام تارتار موافقت کرد^۳ - هر چند در ابتدا درخواست وی را رد کرد - (Lorimer, 1986: 1789)

^۱ انگلیسی‌ها از ترس اینکه رد درخواست‌های ایران، لطمه‌ای به امتیازات به دست آمده در قرارداد ۱۷۶۳م. وارد کند به نمایندگی بوشهر اختیاراتی مبنی بر کمک‌های موقتی به ایرانیان دادند. (امین، ۱۳۷۰: ۱۱۹ و ۱۱۸)

^۲ Peter Elwin wrench

^۳ نمایندگی بوشهر به عنوان نمایندگی تابع تحت نظارت نمایندگی بصره بود. دیدگاه روسای نمایندگی بصره در باره حکومت ایران و نمایندگی بوشهر، چنانکه خواهیم دید نقش مهمی در جریان حوادث ایفاء می‌کرد.

فراز و نشیب روابط خارجی کریم خان زند با انگلستان ۱۱

سرپرستی نیروهای مشترک ایرانی - انگلیسی بر عهده کاپیتان پرایس^۱ و فرماندهی نیروی دریایی ایران را ناتر،^۲ منشی نمایندگی بوشهر بر عهده داشت. جرویس اگر چه در جریان جنگ تلاش نمود هلندی‌ها را نیز وارد میدان کند، اما موفق نشد. (Ibid, 1758, 1786) هنگام محاصره جزیره خارکو^۳ که میرمهنا پس از فرار از بندر ریگ در آنجا پناه گرفته بود، وقتی پرایس از امیرگونه خان افشار که در بندر ریگ مستقر بود درخواست ارسال سپاهی جهت پیاده کردن در آنجا را کرد، سردار زند به این دلیل که با فرا رسیدن ماه محرم سپاهیان مرخص شده‌اند، درخواست‌شان را رد کرد. این موضوع در کنار عدم همکاری موثر ناوگان بوشهر، همچنین عدم رضایت ناوگان انگلیسی از عملکرد آنها سبب شد «تارتار» صحنه عملیات را ترک کند. (فلور، ۱۳۷۱: ۱۱۴ / Ibid, 1787) که این اقدام انگلیسی‌ها سبب رنجش کریم‌خان شد. (امین، ۱۳۷۰: ۱۲۱ - ۱۲۰) او معتقد بود آنها در تحقق خواسته وی کوتاهی کرده‌اند. گزارش‌های متعدد کارملیت‌ها نارضایتی و خشم کریم‌خان از انگلیسی‌ها را تایید می‌کند. کرنلیوس،^۴ اسقف اصفهان بیان می‌کند که در اواسط سال ۱۱۷۸ ق. / ۱۷۶۵ م. قصد رفتن به جلفای اصفهان را داشته و از ترس ارمنی‌ها، دست به دامان شخصی انگلیسی^۵ که عازم شیراز بوده است، می‌شود تا نزد کریم خان زند سلامتی وی را تضمین کند. او در ادامه می‌نویسد:

«اما این وضع کاملاً بر خلاف میل و آرزوی من صورت گرفت، زیرا از آنجا که وکیل (کریم خان زند) از انگلیسی‌ها تنفر داشت شاید به علت عدم توفیق در مطیع ساختن میرمهنا، نه تنها به نماینده انگلیس اجازه ملاقات نداد، بلکه گذشته از آن از پذیرش تقاضای مکتوب او نیز خودداری کرد» (کارملیت‌ها، ۱۳۸۱، ۱۱۵).

^۱ Captain Price

^۲ Natter

^۳ جزیره‌ای در بخش شمالی خلیج فارس و در همسایگی جزیره خارک.

^۴ Carnelius

^۵ این شخص باید جرویس باشد که برای ارائه عرضحال به شیراز آمده بود. (طاهری، ۱۳۵۴: ۲۶۹)

۱۲ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

درباره عدم تمایل انگلیسی‌ها در کمک به کریم‌خان زند، پژوهشگران دلایل مختلفی را ذکر کرده‌اند. برخی عدم برداشت صحیح آنها از موقعیت و جایگاه خان زند در منطقه و جدی نگرفتن حکومت مرکزی ایران را در این امر دخیل می‌دانند. رؤسای کمپانی، کریم‌خان را نیز مانند دیگر حاکمان محلی یک عنصر گریز از مرکز قلمداد می‌کردند که با استفاده از اوضاع نابسامان پس از مرگ نادرشاه، چند صباحی در گوشه‌ای از ایران به قدرت رسیده است. بنابراین، وی را قابل اعتماد نمی‌دانستند. گذشته از آن، انگلیسی‌ها انگیزه‌ای برای درگیر شدن با میرمهنا نداشتند. (امین، ۱۳۷۰: ۱۲۳ - ۱۲۲ / رجی، ۲۵۳۵: ۹۹ / افراسیابی، ۱۳۷۵: ۳۶۵) همچنین آنها نسبت به مسایل منطقه تا زمانی که مانع تجارت‌شان نمی‌شد بی‌تفاوت بودند و اصولاً تمایلی به درگیر شدن در این منازعات نداشتند، مگر در مواقعی که منافع بریتانیای کبیر ایجاب می‌کرد. (فلور، ۱۳۷۱: ۲۵۶ - ۲۵۵ / استندیش، ۱۳۸۳: ۱۶۹) ارتباط تنگاتنگ تجاری کاپیتان هربرت ساترلند^۱ از اتباع بریتانیا در ایران با میرمهنا نیز در این موضوع بی‌تأثیر نبوده است. (برومند، ۱۳۸۱: ۲۵) اسکندر دلدل عدم حمایت و پشتیبانی انگلیسی‌ها از نقشه‌های کریم‌خان را این‌گونه تحلیل می‌کند که سرکوبی میرمهنا موجب بهبودی وضعیت هلندی‌ها در منطقه می‌شد. چیزی که انگلیسی‌ها به هیچ عنوان تحمل نمی‌کردند. (دلدل، ۱۳۶۳: ۱۰۴ و ۱۰۲) با توجه به رقابت‌های این دو کمپانی غربی در منطقه، همچنین اختلافات میرمهنا با هلندی‌ها بر سر مالکیت خارک که از زمان ورود وی به جزیره خارکو شدت گرفته بود، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که اگرچه انگلیسی‌ها با اعزام کشتی تارتار موافقت کردند و از سوی کاپیتان پرایس در طول عملیات، تلاش‌های بسیاری برای شکست میرمهنا صورت گرفت؛ چنانکه وی حتی تلاش کرد هلندی‌ها را نیز وارد میدان کند؛ (Lorimer, 1986: 1785) با این حال، انگلیسی‌ها

¹ Herbert Sutherland

فراز و نشیب روابط خارجی کریم خان زند با انگلستان ۱۳

چندان بی‌میل نبودند که میرمهنا همچنان در بازی قدرت باقی بماند تا آخرین ضربه را بر پیکر حضور ناتوان رقیب دیرینه‌شان وارد کند. به ویژه آنکه، وی در حال حاضر هیچ خطری برای تجارت بریتانیا ایجاد نمی‌کرد.

۱-۴-۲- بنی‌کعب

عامل تأثیرگذار دیگر بر روابط ایران و بریتانیا در دوره کریم‌خان، قبیله بنی‌کعب بود. عبدالامیر امین از درگیری‌های بنی‌کعب با انگلیسی‌ها به عنوان رخدادی مهم در تاریخ حضور بریتانیا در خلیج فارس یاد می‌کند که بر روابط آنها با حکومت زند تأثیرگذار بود. (امین، ۱۳۷۰: ۱۳۱-۱۳۰). این نکته نیز باید بیان شود که بنی‌کعب از کشتی‌های انگلیسی که عازم بصره بودند، مالیات می‌گرفت و آنها را مجبور می‌کرد از بنی‌کعب خرما خریداری کنند که این اقدامات برای کمپانی قابل تحمل نبود.

از آنجا که بصره پایگاه مهم و مرکز اصلی فعالیت‌های اقتصادی انگلیس در خلیج فارس محسوب می‌شد، طبیعی است این اقدامات بنی‌کعب در ایجاد مزاحمت برای کشتی‌های تجاری در مسیر بصره، اقدامی علیه منافع تجاری آنها محسوب می‌شد و بی‌پاسخ نمی‌ماند. بنا به گفته جان پری، کمپانی از اواخر سال ۱۱۷۷ق. / ۱۷۶۳م. فعالانه با بنی‌کعب درگیر شد.^۱ در طول سال‌های ۱۱۷۸-۱۱۷۴ق. / ۱۷۶۵-۱۷۶۱م. سه عملیات نظامی از سوی حکومت بصره برای مقابله با بنی‌کعب انجام شد؛ در حالی که از پشتیبانی گسترده کشتی‌های انگلیسی برخوردار بودند. (امین، ۱۳۷۰: ۳۱) استمرار دخالت انگلیسی‌ها در این کشمکش‌ها، نارضایتی شیخ سلمان را به دنبال داشت. بالا گرفتن اختلافات و اعتمادی که وی به ناوگان خود حتی در مقابله با بریتانیا داشت، سبب شد که در سال

^۱ گویا این قبیله، کشتی حامل خرما را که انگلیسی‌ها در آن سهمی داشتند، مصادره کرده بود. (پری، ۱۳۸۳: ۲۳۷).

۱۴ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

۱۱۷۸ق. / ۱۷۶۵م. دو کشتی انگلیسی، سالی^۱ و فورت ویلیام^۲ را که از هند عازم بصره بودند، توقیف کند. (کارملیت‌ها، ۱۳۸۱: ۱۱۴ / امین، ۱۳۷۰: ۱۳۲-۱۳۱ / Saldanha, 1986: 193) با این اقدام بنی‌کعب، حملات شدت گرفت. به طوری که در سال ۱۱۷۹ق. / اوایل سال ۱۷۶۶م. ناوگان جدیدی برای عملیات علیه این قبیله از بمبئی وارد خلیج فارس شد.^۳ (کارملیت‌ها، ۱۳۸۱: ۱۱۶ / پری، ۱۳۸۳: ۳۶۷-۳۶۶) عملیات حدود ۶ ماه به طول انجامید و با وجود مشکلات فراوان ادامه یافت. ضعف و ناتوانی ترک‌ها و خودداری از درگیری در بسیاری از عملیات بر مشکلات انگلیسی‌ها افزود و (امین، ۱۳۷۰: ۱۳۷-۱۳۵) قدرت نظامی کعبی‌ها مزید بر علت بود. آنها در منطقه خورموسی شکستی به انگلیسی‌ها وارد کردند. (فرامرزی، ۱۳۴۶: ۳۳ / شعبانی، ۱۳۸۱: ۱۴۴) شیخ سلمان رهبر قبیله بنی‌کعب به تلافی این حمله مشترک، کشتی‌های توقیف شده انگلیسی و همچنین چند کشتی متعلق به ترک‌ها (حکومت بصره) را به آتش کشید. (روشن ضمیر، ۱۳۵۰: ۱۲ / Saldanha, 1986: 207-208)

در سال ۱۱۸۹ق. / ۱۷۶۶م. حادثه‌ای رخ داد که روابط ایران و بریتانیا را در وضعیت ویژه‌ای قرار داد. انگلیسی‌ها و ترک‌ها در تعقیب نیروهای کعبی، عملیات را به قلمرو ایران کشانیدند، اما با واکنش صریح کریم‌خان زند روبه‌رو شدند. وی به این دلیل که بنی‌کعب، رعیت ایران و تحت‌الحمایه وی هستند، به آنها هشدار داد خاک ایران را ترک کنند. (ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۱۸ / فرامرزی، ۱۳۴۶: ۳۳ / شعبانی، پیشین) ترک‌ها برای پیشگیری از هر گونه درگیری با ایران، درخواست وی را پذیرفتند، اما انگلیسی‌ها همچنان به محاصره دریایی بنی‌کعب ادامه دادند. (امین، ۱۳۷۰: ۱۳۸-۱۳۷ / Greaves, 1991: 362-363). دلایل این اقدام کریم‌خان را می‌توان این گونه تبیین کرد: از آنجا که وی در سال ۱۱۷۹ق. /

^۱ Sally

^۲ Fort William

^۳ از سوی کمپانی تاکید شده بود از این ناوگان علیه میرمهنا استفاده نشود. (پری، ۱۳۸۳: ۳۶۷ / امین، ۱۳۷۰: ۱۳۴-۱۳۵)

فراز و نشیب روابط خارجی کریم خان زند با انگلستان ۱۵

۱۷۶۵م. طی لشکرکشی به خوزستان، بنی‌کعب را مطیع و خراج‌گزار خود کرده بود، لزومی به دشمنی با آنها نمی‌دید. گذشته از آن، خان زند حضور و پیشروی انگلیسی‌ها در خاک ایران را تهدیدی علیه حکومت خود قلمداد کرده بود. (دلدم، ۱۳۶۳: ۱۰۶ / حاجیان‌پور، ۱۳۷۷: ۵۶) و دلیل سوم و مهم‌ترین دلیل، اینکه خان زند به شدت از انگلیسی‌ها در عدم کمک به او در سرکوبی میرمهنا رنجیده بود که این دلایل باعث شد کریم خان علیه انگلیسی‌ها واکنش نشان دهد.

۵-۱- سفارت جرج اسکپ^۱ در شیراز

اهمیتی که انگلیسی‌ها برای سرکوبی بنی‌کعب قائل بودند، آنها را بر آن داشت تا علاوه بر نپذیرفتن پیشنهاد صلح شیخ سلمان^۲، با اعزام دو کشتی از بمبئی، به تنگ‌تر کردن حلقه محاصره و ایجاد فشار بیشتر به بنی‌کعب اقدام کنند. آنها برای رسیدن به اهداف خود حتی تصمیم گرفتند با کریم خان زند در مورد بنی‌کعب به مذاکره بپردازند. (امین، ۱۳۷۰: ۱۴۳-۱۴۲) به همین منظور، شورای کمپانی در بمبئی دستور اعزام سفیری - ترجیحاً جرج اسکپ - را به شیراز صادر کرد. (Saldanha, 1986: 214)

جان پری بیان می‌کند که اسکپ در بدو ورود مورد بی‌توجهی دربار شیراز واقع گردید و از پذیرفتن هدایای خودداری شد و او را مدتی معطل نگاه داشتند.^۳ هر چند، پس از آن ترتیبی داده شد که خان زند تمام خواسته‌هایش از جمله واگذاری جزیره

^۱ George Skipp

^۲ طولانی شدن زمان محاصره موجب شد شیخ سلمان از انگلیسی‌ها درخواست صلح کند. وی موافقت کرد تمام خسارات وارده ناشی از جنگ با انگلیسی‌ها را به آنها بپردازد و در تجارت بصره دخالت نکند. در عوض انگلیسی‌ها نیز در درگیری‌های میان او و ترک‌ها بی‌طرف بمانند. انگلیسی‌ها به این دلیل که بنی‌کعب با داشتن ناوگان دریایی مقتدرش تهدیدی برای تجارت خلیج فارس محسوب می‌شود، پیشنهاد وی را رد کردند. (امین، ۱۳۷۰: ۱۴۱)

^۳ پری معتقد است که کریم‌خان به دلیل گرفتن هدایایی از بنی‌کعب در این بی‌اعتنائی ترغیب شده بود. (پری، ۱۳۸۳: ۲۶۷)

۱۶ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

خارک را بپذیرد. (پری، ۱۳۸۳: ۳۶۸-۳۶۷) کارملیت‌ها از ورود یک انگلیسی در ۱۱۸۰ ق. / ۱۷۶۷ م. که با هدف رسیدن به توافقاتی در مورد بنی‌کعب، همچنین تایید قرارداد ۱۷۶۳ م. به شیراز آمده بود، خبر می‌دهد که پس از یک اقامت بیهوده پنج ماهه و بی‌نتیجه مجبور به بازگشت به بصره شد. بر اساس این گزارش، کریم‌خان از پذیرش هدایای وی خودداری کرد و استدلال نمود که نیازی به تجارت با اروپایی‌ها ندارد. (کارملیت‌ها، ۱۳۸۱: ۱۱۸-۱۱۷) از آنجا که مدت اقامت اسکپ در شیراز و مذاکرات او با حکومت زند از آوریل تا سپتامبر ۱۷۶۷ به طول انجامید، می‌توان گفت منظور کارملیت‌ها از یک انگلیسی که نام او را ذکر نمی‌کند، باید اسکپ باشد. اکثر پژوهشگران به سردی و بی‌توجهی اولیه کریم‌خان با وی اشاره کرده‌اند.

۱-۵-۱- دور اول مذاکرات

بریتانیا به اسکپ دستور داده بود در صورتی که خان زند پیشنهاد بی‌طرفی بریتانیا در درگیری‌های بنی‌کعب و ترک‌ها را مطرح کند، به هیچ وجه آن را نپذیرد. (Saldanha, 1986: 251) در طول مذاکرات، کریم‌خان متعهد شد بنی‌کعب را وادار به پرداخت خسارات وارده به کمپانی نماید، همچنین پانصد هزار روپیه به انگلیسی‌ها در ازای مساعدت آنها علیه میرمهنا خواهد پرداخت، ضمن آنکه پس از تسخیر خارک، این جزیره را به آنها واگذار می‌کند. (رجبی، ۲۵۳۵: ۲۲۴-۲۲۳ / امین، ۱۳۷۰: ۱۴۵) اما خاطر نشان کرد که هیچ تهاجمی به بنی‌کعب و خاک ایران از سوی انگلیسی‌ها و یا ترک‌ها را تحمل نخواهد کرد. مور، نماینده کمپانی در بصره با این ادعا که خواسته‌های وی دست انگلیسی‌ها را در مبارزه با بنی‌کعب می‌بندد و منویات انگلیس در ایجاد امنیت در خلیج فارس را برآورده نمی‌کند، دستور مراجعت اسکپ را صادر کرد و شکست مذاکرات را به بمبئی و لندن گزارش داد. (امین، پیشین / پری، ۱۳۸۳: ۳۶۸) وی همچنین از مقامات کمپانی درخواست کرد به

فراز و نشیب روابط خارجی کریم خان زند با انگلستان ۱۷

او اختیارات تام برای تخلیه مرکز تجاری بوشهر و حتی اعلان جنگ به بنی‌کعب و ایران داده شود. مور حتی در مقطعی معتقد بود که می‌توان اتحادیه‌ای متشکل از میرمهنا، ترک‌ها و سایر قدرت‌های مخالف کریم‌خان در منطقه به سرپرستی بریتانیا تشکیل داد.

(رجبی، ۲۵۳۵: ۲۲۳-۲۲۴ / پری، ۱۳۷۷: ۳۴ / ۱۸۲۰: ۱۸۲۰، ۱۹۸۶: Lorimer)

دو نوع واکنش از سوی مقامات ارشد کمپانی در لندن و بمبئی - با توجه به نتیجه مذاکرات - دربارهٔ پیشنهادهای مور صورت گرفت: از یک سو، هیات مدیره که اینک از کریم‌خان زند به خاطر سیاست اقتصادی وی یا به عبارتی ایجاد محدودیت و سخت‌گیری در ممنوعیت خروج طلا و نقره از ایران بیش از پیش خشمگین بود، از پیشنهادات مور استقبال کرد و مقامات بمبئی را به دلیل انعطاف در مقابل خان زند سرزنش کرد. حتی در نامه‌ای که در ۱۸۰۱ ق. / ۱۷۶۷ م. به بمبئی ارسال کرد، تخلیه بوشهر را خواستار شد. زیرا این اقدام برای نمایندگی، آزادی بیشتری را در اجرای عملیات دلخواه علیه ایران فراهم می‌ساخت. (امین، ۱۳۷۰: ۱۴۷-۴۹) اما از سوی دیگر، شورای کمپانی در بمبئی به محض اطلاع از شکست مذاکرات، ضمن انتقاد از عملکرد نمایندگی بصره به ویژه شخص مور، پیشنهادهای وی را به شدت رد کرد و از آنجا که کریم‌خان هنوز به مذاکره به عنوان تنها راه‌حل ممکن برای رفع محدودیت‌ها و مشکلات تجاری انگلیسی‌ها در بوشهر معتقد بود، (Lorimer. 1986: 1798) با این حال، بریتانیا به مور دستور داد برای بار دوم اسکوپ را به شیراز اعزام کند. در همین زمان ناوگانی برای همکاری با ایرانی‌ها از بمبئی راهی خلیج فارس شد. (امین، ۱۳۷۰: ۱۴۷-۱۴۶ / پری، ۱۳۸۳: ۳۶۸)

۱۸ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

۱-۵-۲- دور دوم مذاکرات

اسکیپ در ۱۱۸۱ق. / ۹ آوریل ۱۷۶۸م. وارد شیراز شد و در چهاردهم همان ماه قراردادی را با حکومت زند به امضا رساند.^۱ (Ibid) مواد این قرارداد عبارت بودند از: ماده اول) - تایید قرارداد ۱۷۶۳م. و اجازه تاسیس دژ نظامی در بوشهر یا حداقل تجهیز نمایندگی به قدر لزوم.

ماده دوم) - بنی کعب باید خسارات وارده به بریتانیا را جبران کند و چنانکه این قبیله مجدداً به اقدامات خصمانه علیه حاکمیت کمپانی دست بزند، کریم خان مسئول است و باید خسارت آن را بپردازد.

ماده سوم) - در صورت تسخیر خارک توسط قوای مشترک ایران و انگلیس، نیمی از غنائم بدست آمده از میرمهنا به انگلیسی‌ها تعلق داشته باشد.

ماده چهارم) - خارک یا هر جزیره دیگری که انگلیسی‌ها مناسب اقامت خود تشخیص دهند به آنها واگذار خواهد شد و در مورد خارک زمانی که انگلیسی‌ها به آن احتیاجی نداشتند، ایران نباید آن را به دیگر کشورهای اروپایی در منطقه واگذار کند.^۲

ماده پنجم) - در ازای حضور مداوم ناوگان دریایی کمپانی هند شرقی انگلیس در منطقه با هدف ایجاد امنیت، باید سالیانه مبلغ ۲۰ یا ۲۵ هزار روپیه از سوی ایران، از عوارض بوشهر یا عواید عمومی به کمپانی تخصیص داده شود. (Greaves. 1991: 363 / Saldanha. 1986: 214).

دو پژوهشگر ایرانی، هدایتی و رجبی از مواد اول و پنجم قرارداد سخنی به میان نمی‌آورند. (رجبی، ۲۵۳۵: ۲۲۴-۲۲۳ / هدایتی، ۱۳۴۴: ۲۳۴-۲۳۳).

^۱ عبدالامیر امین تاریخ انعقاد قرارداد را ماه می بیان کرده است. (امین، ۱۳۷۰: ۱۵۰) به نظر می‌رسد وی ماه ارسال نامه‌ای درباره قرارداد، به تاریخ ۱۹ می ۱۷۶۸م. که از بصره به بمبئی ارسال شده است را به جای تاریخ انعقاد آن ذکر کرده است.

^۲ انگلیسی‌ها از این طریق سعی داشتند از بازگشت مجدد هلندی‌ها یا ورود فرانسوی‌ها در این جزیره استراتژیک جلوگیری کنند.

۱-۶ اقدامات مشترک ایران و انگلیس علیه میر مهنا

چند ماه پس از ناکامی حکومت زند در سرکوبی میرمهنا، وی در ۱۱۸۰ق. / ۱۷۶۶م. با تسخیر خارک به حضور طولانی مدت هلندی‌ها در خلیج فارس خاتمه داد. تحمیل شکست به یک قدرت اروپایی، وجهه وی را تا حد نیرویی تأثیر گذار در تحولات منطقه افزایش داد و او را مقتدرتر از پیش ساخت. (کارملیت‌ها، ۱۳۸۱: ۱۱۵) با این وجود، نسبت به انگلیسی‌ها با آن که قبلاً کریم‌خان را علیه وی همراهی کرده بودند، سیاستی مسالمت‌آمیز در پیش گرفت. به نظر می‌رسد میرمهنا تمایلی به رویارویی با ناوگان ابرقدرت بریتانیا نداشت یا شاید در این زمان توانایی لازم را در خود نمی‌دید. به همین دلیل، پس از تسخیر خارک، هنگامی که بوشهر را تهدید به حمله کرد، خطاب به انگلیسی‌ها اعلام کرد که خصومتی با آنها ندارد. بنابراین هم خودشان و هم اموالشان را محترم خواهد شمرد. اگرچه مسئولان کمپانی در ابتدا نسبت به وی و گفته‌هایش با شک و تردید برخورد کردند، (Saldanha, 1986: 197) اما زمانی که میرمهنا در عمل و با کمک به کشتی انگلیسی سرگردان در اطراف خارک و هدایت و همراهی آن به بصره این موضوع را ثابت کرد، انگلیسی‌ها سیاستی بیش از پیش محتاطانه دربارهٔ وی در پیش گرفتند. (Lorimer.1986: 1819)

چنانچه پیش‌تر گفته شد، اهمیتی که صلح با کریم‌خان زند و به دست آوردن جزیره خارک برای انگلیسی‌ها در برداشت، سبب گردید با وجود مخالفت‌های مقامات کمپانی در لندن، شورای کمپانی در بمبئی ناوگانی را برای همکاری با ایرانی‌ها علیه میرمهنا اعزام کند و به نمایندگی بصره یادآور شد که عملیات علیه او را به بهترین شکل ممکن انجام دهد. (امین، ۱۳۷۰: ۱۴۶-۱۴۵) بنا به گزارش کارملیت‌ها، یازده کشتی انگلیسی در این نبرد شرکت داشتند، (کارملیت‌ها، ۱۳۸۱: ۱۲۰) با این وجود شکست سختی نصیب آنها شد.

۲۰ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

میرمهنا به تلافی حملات به خارک، چند ماه بعد و در ۱۱۸۱ق. / ۱۷۶۸م. با تسخیر کشتی اسپیدول^۱ به فرماندهی کاپیتان گاردینر^۲ که عازم شمال خلیج فارس بود، نخستین عملیات خود علیه کمپانی هند شرقی بریتانیا را انجام داد. (پری، ۱۳۷۷: ۳۵ / آل

احمد، ۲۵۳۶: ۱۸۰ - ۱۷۹ / Saldanha, 1986: 248)

درباره شکست انگلیسی‌ها در این عملیات دو دیدگاه مطرح است: دیدگاه اول، اقدامات مور را دلیل اصلی این شکست مطرح کرده است. مور که با هر نوع همکاری و سازش با ایرانی‌ها مخالف بود، دستور داد ناوگان اعزامی بی‌آنکه منتظر ورود نیروهای ایرانی به بندر ریگ و اعزام آنها به محل عملیات بماند، خارک را محاصره کند. به دلیل کمبود نیرو جهت پیاده کردن در جزیره، محاصره با شکست روبه‌رو شد و حمله به قلعه خارک - که زمانی در اختیار هلندی‌ها بود - با دادن تلفات سنگین بی‌نتیجه ماند. او که همچنین معتقد بود کریم‌خان زند به وعده خود عمل نکرده و در اعزام به موقع نیروی کمکی سستی به خرج داده است به ناوگان انگلیسی دستور داد تا منطقه را به سوی بمبئی ترک کند. بنابراین، هنگامی که نیروهای ایرانی تحت فرمان زکی خان زند به بندر ریگ رسیدند، از کشتی‌های انگلیسی اثری نیافتند. (امین، ۱۳۷۰: ۱۵۱-۱۵۰ / پری، ۱۳۸۳: ۳۶۸) دیدگاه دوم، تعلل و عدم اعزام به موقع سپاه از سوی کریم‌خان برای همکاری با انگلیسی‌ها را دلیل ناکامی آنها در محاصره خارک و پیروزی بر میرمهنا می‌داند. (هدایتی، ۱۳۴۴: ۲۳۳-۲۳۴) برخی سعی دارند پشیمانی کریم‌خان از واگذاری خارک به انگلیسی‌ها و (رجبی، ۲۵۳۵: ۲۲۴ / نوایی، ۱۳۸۴: ۱۷۶) همچنین پیشنهاد فرانسوی‌ها مبنی بر تامین مایحتاج ارتش ایران بدون اخذ هرگونه امتیازی و تنها در برابر ابریشم ایران (هدایتی، ۱۳۴۴: ۲۳۴) را

^۱ Speedwell

^۲ Gardiner

فراز و نشیب روابط خارجی کریم خان زند با انگلستان ۲۱

در این اقدام خان زند دخیل بدانند. بعید نیست کریم خان زند به دلیل نارضایتی از انگلیسی‌ها خواسته باشد فرانسوی‌ها را جایگزین آنها کند. (روشن ضمیر، ۱۳۵۰: ۱۵)

بر طبق این دیدگاه‌ها، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که اگر چه می‌توان اقدامات مور در حمله نابهنگام و بدون هماهنگی با حکومت ایران به خارک و نیز اعزام زود هنگام ناوگان انگلیسی به معنی اعلام شکست به بمبئی را در به نتیجه نرسیدن عملیات مهم دانست - خصوصاً اینکه وی مورد سرزنش مقامات ارشد در بمبئی نیز واقع شد.^۱ یا بتوان این شکست را به عدم کارآیی و بی‌کفایتی فرماندهی ناوگان انگلیسی ربط داد، (Lorimer, 1986: 1977) اما باید پذیرفت که کریم خان نیز با عدم اعزام به موقع نیرو به هر دلیل، مسیر شکست را هموار کرد و زمینه را برای اشکال تراشی افرادی چون مور فراهم کرد. آنچه ما را به تأمل بیشتر وادار می‌کند این است که کریم خان در سال ۱۱۷۹ ق. / ۱۷۶۵ م. نیز با وجود وادار کردن هلندی‌ها به همکاری با وی علیه میرمهنا، از اعزام به موقع کمک به آنها باز ماند. (فلور، ۱۳۷۱: ۱۲۶-۱۲۱)

۷-۱- پایان مذاکرات اسکپ و اوج تنش‌ها

اگر چه مذاکرات، دو یا سه ماه پس از جنگ خارک ادامه یافت، اما با توجه به وقایع پیش آمده، شانس هیچ گونه موفقیتی نداشت. (Lorimer, 1986: 1801) کریم خان اینک بیش از پیش از انگلیسی‌ها عصبانی بود و اعتقاد داشت انگلیسی‌ها او را در عملیات بر

^۱ شورای کمپانی در بمبئی، مور را به علت اعزام ناوگان به هند، با تأکید بر اینکه هیچ حکومتی قادر نخواهد بود که ارتش وسیعی را بدون تأخیر آماده نماید، مورد انتقاد قرار داد. همچنین در جایی دیگر بیان کرد: رفتار نمایندگی روی هم رفته بسیار شگفت آور بوده است و انگیزه این عمل آنقدر واضح و ناموجه است که به نظر می‌رسد وی امکان و شایستگی انجام عمل بهتر را داشته است و این عمل وی توبیخ رسمی و مجازات را همراه خواهد داشت. (امین، ۱۳۷۰: ۱۵۳) هر چند هیات مدیره کمپانی در لندن که همواره با سیاست‌های وی موافق بود این بار نیز از وی پشتیبانی کرد. (پری، ۱۳۸۳: ۳۶۹)

۲۲ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

ضد خارک فریب داده‌اند. (کارملیت‌ها، ۱۳۸۱: ۱۲۰) نمایندگی بصره که معتقد بود ادامه مذاکرات نتیجه‌ای در پی ندارد به اسکوپ ابلاغ کرد همه توافقات به دست آمده با ایران را لغو کند و به بصره باز گردد. وی به محض ورود به بصره توسط مخالفان و شخص مور به اتهام سرپیچی از دستورات از کار برکنار شد. (Lorimer, 1986: 1801) کریم‌خان پس از پناهندگی میرمهنا به بصره از پاشای بصره تقاضای استرداد او را نمود، اما پاشای بصره او را اعدام کرد و این اقدام بر تیرگی روابط شیراز و بصره افزود و کریم‌خان را در تسخیر بصره مصمم‌تر نمود.

کریم‌خان زند که از همراهی انگلیسی‌ها ناامید شده بود، تصمیم گرفت بدون کمک نیروهای خارجی خارک را فتح کند. اما وقوع کودتا علیه میرمهنا در ۱۱۸۲ق. / ۱۷۶۹م. توسط حسن سلطان همه چیز را تغییر داد. میرمهنا فرار کرد و در بصره کشته شد. انگلیسی‌ها که از تصمیم خان زند مطلع شده بودند و از سویی فرصت را به دلیل اوضاع آشفته خارک برای تصرف آن مناسب می‌دیدند، تصمیم گرفتند ضمن جلوگیری از اقدامات ایرانی‌ها، با محاصره خارک این جزیره را بدست آورند. آنها از حسن سلطان خواستند جزیره را تحت حمایت بریتانیا قرار دهد. وی احتمالاً به دلیل طولانی شدن مدت محاصره، پیشنهاد انگلیسی‌ها را پذیرفت، اما وقتی با اصرار آنها مبنی بر تخریب استحکامات دفاعی و واگذاری تجهیزات جنگی و کشتی‌های میرمهنا به تلافی خسارات وارده از سوی وی روبه‌رو شد، تغییر عقیده داد. به ویژه هنگامی که اخبار نزدیک شدن نیروهای ایرانی را شنید، آمادگی خود را برای مقابله با انگلیسی‌ها اعلام کرد. (امین، ۱۳۷۱: ۱۵۲ / موسوی، ۱۳۷۳: ۵۶ / Lorimer, 1986: 1801) انگلیسی‌ها می‌دانستند که پافشاری بر این موضوع، علاوه بر حسن سلطان آنها را با کریم‌خان نیز درگیر خواهد کرد، حال آنکه به دلیل اوضاع نابسامان هند و لزوم تمرکز قوا در آنجا، اعزام نیروی کمکی از بمبئی نیز

فراز و نشیب روابط خارجی کریم خان زند با انگلستان ۲۳

میسر نبود.^۱ بنابراین به ناچار دست از محاصره کشیده و به بصره بازگشتند. به این ترتیب با وجود تلاش انگلیسی‌ها، خارک به دست ایران افتاد و سپاهیان زند در آنجا پیاده شدند. (پری، ۱۳۸۳: ۳۶۹)

۸-۱- خروج انگلیسی‌ها از بوشهر

عواملی چون ۱- عدم موفقیت انگلیسی‌ها در سرکوب میرمهنا ۲- مساله بنی‌کعب و نارضایتی کریم‌خان از انگلیسی‌ها سرد شدن روابط دو طرف را در پی داشت. تلاش‌های جرج اسکپ با هدف عادی‌سازی روابط به دلیل اختلاف نظر رؤسای کمپانی، همچنین کارشکنی‌ها و مخالفت‌های هانری مور، ریاست نمایندگی بصره بی‌نتیجه ماند. این مسایل موجب شد کریم‌خان زند برای تجارت انگلیسی‌ها در ایران محدودیت‌هایی در نظر گیرد. سقوط خارک و تشدید تنش‌ها میان دو طرف برای به دست آوردن این جزیره ایرانی اگر چه منجر به جنگ نشد، اما موجبات خروج انگلیسی‌ها از ایران و تعطیل شدن نمایندگی بوشهر را فراهم کرد.

در ۱۱۸۳ق. / ۱۷۶۹م. مورلی،^۲ عامل کمپانی در بوشهر به همراه حدود ۱۰۰ نفر انگلیسی که برخی بیمار بودند، با وجود مخالفت‌های حاکم آنجا - که دستوراتی از زکی خان زند مبنی بر عدم مجوز خروج به آنها را دریافت کرده بود - بوشهر را به مقصد بصره ترک کردند.^۳ با خروج انگلیسی‌ها از بوشهر، فعالیت‌های کمپانی در منطقه باری دیگر در

^۱ در این زمان ناوگان بریتانیا به دلیل افزایش فشارها و موفقیت‌های حیدرعلی، حاکم میسور و احتمال بروز جنگ با فرانسه بیش از پیش در هندوستان موردنیاز بود. برای اطلاعات بیشتر در این باره رک. عبد الامیر امین. منافع بریتانیا در خلیج فارس، ۱۵۴.

^۲ Morley

^۳ کارملیت‌ها در این باره چنین می‌نویسد: «از آنجا که کمپانی انگلیس در ایران به روزگار بدی دچار شده است، انگلیسی‌ها به بصره رفته‌اند». (کارملیت‌ها، ۱۳۸۱: ۱۱۹)

۲۴ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

بصره متمرکز شد. (ویلسن، ۱۳۶۶: ۱۴/ 1082, 1083/ Lorimer, 1986) در میان عوامل دیگری که به تنش روابط افزود، می‌توان به نگرش کریم‌خان نسبت به انگلیسی‌ها اشاره کرد.

۹-۱- نگرش کریم‌خان به انگلیسی‌ها

برخی منابع و پژوهشگران از نگرش توأم با سوءظن و آگاهی کریم‌خان زند نسبت به انگلیسی‌ها و فعالیت‌های آنها در منطقه و ایران، به عنوان عاملی موثر در فراز و نشیب روابط دو کشور یاد می‌کنند. آرمانی‌ترین تصویر از این نگرش را مولف رستم التواریخ ترسیم می‌کند. آنجا که در تبیین واقعه ورود ایلچی انگلیس به دربار والا جاه کریم‌خان وکیل الدوله جم اقتدار، در پاسخ به درخواست وی مبنی بر همکاری تجاری و دوستی دو کشور از قول خان زند چنین می‌نویسد:

«فرنگیان همچنان که هندوستان را به مکر و حيله و خدعه و تزوير و دستان و رنگ و نیرنگ مسخر نمودند و مالک و متصرف شدند آنرا، می‌خواهند ایران را نیز مالک و متصرف شوند و آنرا به مکر و حيله مسخر نمایند» (آصف، ۱۳۵۲: ۳۸۵).

از دیدگاه جان پری، کریم‌خان با «مقاصد امپریالیستی» انگلیسی‌ها بیگانه نبود و سیاست او با روش سیاسی شاهان صفوی و نادرشاه شباهت داشت. یعنی بر آن بود که از تکنولوژی پیشرفته اروپائی‌ها بهره‌مند شود، اما آنها را از خود دور نگه دارد. (پری، ۱۳۸۳) خان زند به دلیل دیدگاه بدبینانه‌اش به انگلیسی‌ها حتی از تجارت با آنها نیز بیم داشت. وی متمم قرارداد ۱۷۶۳م. را ناشی از همین موضوع می‌داند (نوبی، ۱۳۸۴: ۱۸۲ و ۱۶۵). کریم‌خان همواره با روحیه‌ای پر سوءظن با انگلیسی‌ها رفتار می‌کرد، اما ملاحظات اقتصادی، او را به تداوم رابطه با آنها وا می‌داشت. (همان منبع) نگرش خان زند به انگلیسی‌ها همیشه یکسان نبوده است. در مراحل اولیه، خان زند در ازای همکاری

۲۵ فراز و نشیب روابط خارجی کریم خان زند با انگلستان

کمپانی در سرکوبی میرمهنا حق کاپیتولاسیون و واگذاری خارک را به آنها داد و در مقطعی حاضر شد فقط دست آنها را در تجارت منطقه باز بگذارد.

۱-۱- تلاش‌های دو جانبه برای از سرگیری روابط

تعطیلی مرکز تجاری بوشهر، انگلیسی‌ها را از منافع سرشاری که از تجارت با ایران به عنوان بزرگ‌ترین بازار فروش کالاهای پشمی هند نصیب‌شان می‌شد، محروم کرد. به ویژه آنکه ابریشم ایران از دیرباز مورد توجه و تقاضای کمپانی بود. (امین، ۱۳۷۰: ۱۶۲ و ۱۱۰ / پری، ۱۳۸۳: ۲۷۰) گذشته از این، تجارت انگلیسی‌ها در بصره در این زمان به علت شرایطی که از جنگ عثمانی و روسیه (۱۷۷۴ - ۱۷۶۸ م.) ناشی می‌شد، به شدت آسیب دیده بود. (امین، ۱۳۷۰: ۱۶۳) در ایران، نیز تعطیلی نمایندگی بوشهر آسیب فراوانی به اقتصاد و تجارت مملکت وارد کرد. (ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۱۴ / روشن ضمیر، ۱۳۵۰: ۱۴) اینک تجار ایرانی مجبور بودند برای تجارت با انگلیسی‌ها به بصره - قلمرو عثمانی - مسافرت کنند که این اقدام، آنها را با مشکلاتی چون پرداخت عوارض گمرکی بالا، هزینه سفر و مواردی از این قبیل روبه‌رو می‌کرد. (Lorimer, 1986: 1806) بنابراین بعید نیست نارضایتی مردم به ویژه بازرگانان و اشراف از حکومت کریم‌خان، که کارملیت‌ها آن را گزارش داده است، (کارملیت‌ها، ۱۳۸۱، ۱۱۸) تا حدودی برخاسته از معضلات اقتصادی ناشی از این قضیه باشد. زمانی که مقامات کمپانی هند شرقی با نامه حاکم بوشهر در اوت ۱۶۷۹ م.، و همچنین نامه‌ای که سال بعد به بصره ارسال شد و از تمایل کریم خان به از سرگیری روابط تجاری خبر می‌داد^۱ روبه‌رو شدند، تصمیم گرفتند ورلی را به شیراز اعزام کنند. (پری، ۱۳۸۳: ۳۷۰) اما مور با تأخیر سفر وی سعی کرد مقامات ارشد در بمبئی را از این

^۱ بنا به گفته جان پری، کریم خان زند خودش از نوشتن نامه خودداری می‌کرد. (پری، ۱۳۸۳: ۳۷۱)

۲۶ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

تصمیم باز دارد. (پری، پیشین / Lorimer. 1804). وقتی در ۱۸۴۱ ق. / ۱۷۷۰ م. هیأت مدیره کمپانی با ارسال نامه‌ای به بصره، نمایندگی را از تأسیس مجدد هرگونه پایگاهی در قلمرو ایران بدون اجازه صریح هیأت مدیره منع کرد، تلاش‌های مور به موفقیت انجامید. (Ibid) به این ترتیب اولین تلاش‌ها برای برقراری مجدد روابط بی‌نتیجه ماند.

شیوع طاعون در سال ۱۸۱۷ ق. / ۱۷۷۳ م.، در بصره ضربه مهلکی بر پیکره اقتصادی این شهر وارد کرد و انگلیسی‌ها را مجبور به ترک آنجا کرد. (امین، ۱۳۷۰: ۱۶۵-۱۶۳) از آنجا که خروج انگلیسی‌ها از بوشهر به لحاظ اقتصادی نتایج نامطلوبی را برای ایران به دنبال داشت، می‌توان انگیزه کریم‌خان زند از این اقدام یا بی‌تفاوتی به چنین اقداماتی^۱ را، مجبور کردن انگلیسی‌ها به بازگشت مجدد به بوشهر دانست. (ورهرام، ۱۳۶۴: ۱۹۹/ طاهری، ۱۳۵۴: ۲۷۱) چون کریم‌خان در ۱۸۱۸ ق. / ۱۷۷۴ م. قصد لشکرکشی به عمان را داشت و خود را نیازمند به همراهی ناوگان دریایی بریتانیا می‌دید، می‌توان چنین استنباط کرد که از این طریق یعنی اعمال فشار به انگلیسی‌ها قصد داشت آنها را با خود همراه سازد. چنان که وقتی مور در بازگشت به بصره با ارسال نامه‌ای، خواستار بازگرداندن کشتی تایگر^۲ و آزادی کارمندان بازداشت شده گردید، کریم‌خان اعلام کرد که قصد لشکرکشی به عمان را دارد و خواهان آن است که انگلیس او را یاری دهد. (پری،

^۱ پری معتقد است که قبل از این واقعه، در اوایل سال ۱۷۷۲ م. کشتی متعلق به کمپانی هند شرقی بریتانیا توسط میرعلی حاکم بندر ریگ توقیف شد و سفیری که برای بازگرداندن آن آمده بود، مورد بدرفتاری قرار گرفت و اخراج شد. حال آنکه این اقدام، از سوی کریم‌خان زند مورد تایید واقع شد. (پری، پیشین) اما لوریمر تاریخ آن رویداد را ژوئن ۱۷۷۱ م. ذکر کرده است و بیان می‌کند که حاکم بوشهر با نوشتن نامه‌ای به نمایندگی بصره، خود و کریم‌خان را در این باره تهرئه کرد. (Lorimer. 1805: 1806)

^۲ کشتی تایگر در سال ۱۸۱۶ ق. توسط عوامل شیخ بوشهر مصادره شد و دو نفر از کارکنان کمپانی به نام‌های بیدمنت و گرین، اسیر شدند و به بوشهر و سپس شیراز اعزام گردیدند. توقیف کشتی انگلیسی در این زمان اهمیتی کمتر از تسخیر کشتی‌های انگلیسی توسط بنی‌کعب در سال ۱۷۶۵ م. نداشت، اما نه ناوگانی به خلیج فارس اعزام شد و نه درگیری رخ داد و انگلیسی‌ها به نوشتن نامه‌ای به کریم‌خان زند اکتفا کردند. رفتار دوگانه انگلیسی‌ها را می‌توان در راستای تغییر سیاست آنها در منطقه و کاهش منافع اقتصادی کمپانی در آنجا تحلیل کرد. (امین، ۱۳۷۰: ۱۷۰)

فراز و نشیب روابط خارجی کریم خان زند با انگلستان ۲۷

۱۳۸۳: ۳۷۲) به گفته لوریمر، وی انگلیسی‌ها و ترک‌ها را تهدید کرده بود که اگر در جنگ با عمان به او کمک نکنند، به بصره نیرو اعزام خواهد کرد.^۱

اگرچه انگلیسی‌ها در ابتدا با هر گونه سازش با ایرانی‌ها مخالف بودند، اما عواملی چون هزینه سنگین نگهداری طولانی مدت ناوگان انگلیسی که به منظور حفاظت از منافع بریتانیا در خلیج فارس حضور داشت، در حالی که به شدت در هند به آن نیاز بود، (برومند، ۱۳۸۱: ۱۷۲) همچنین تمایل کریم‌خان به خاتمه تنش‌های فیما بین و برقراری روابط مجدد تجاری، موجب شد تا انگلیسی‌ها در ۱۸۹۱ق. / ۱۷۷۵م. و با تایید هیات مدیره کمپانی، رابرت گوردن^۲ را به شیراز اعزام کنند. ضمن آنکه به وی دستور داده شد در جریان مذاکرات، در مورد آزادی بیدمونت به مقامات ایران فشار آورد. (پری، ۱۳۸۳: ۳۷۲) مذاکرات موفقیت‌آمیز بود و کریم خان ضمن فرمان آزادی گروگان‌ها و بازگرداندن کشتی تایگر، باری دیگر به انگلیسی‌ها امتیاز فعالیت در ایران را داد و آنها را از پرداخت حقوق گمرکی معاف کرد. (روشن ضمیر، ۱۳۵۰: ۱۸)

هنگامی که گاردن در شیراز مشغول مذاکره با مقامات ایرانی بود، سرانجام پس از سیزده ماه محاصره در ربیع‌الاول ۱۹۰ق. / آوریل ۱۷۷۶م. دروازه‌های بصره به روی نیروهای ایرانی تحت فرماندهی صادق خان زند گشوده شد. با فتح بصره، بوشهر مرکز اصلی تجارت بریتانیا در خلیج فارس شد و بندر بصره در ردیف بنادر درجه دوم قرار گرفت. (ویلسن، ۱۳۴۸: ۲۱۶ / روشن ضمیر، ۱۳۵۰: ۱۹) از آنجا که مرکز تجاری بوشهر و بصره با زیان هنگفتی اداره می‌شد که در سال‌های بعد افزایش یافت، انگلیسی‌ها تصمیم به تعطیلی این دو مرکز گرفتند.^۳ اما با احتمال وقوع جنگ بریتانیا و فرانسه، که بصره و بوشهر نقش

^۱ Lorimer, 1986: 1809

^۲ Robert Garden

^۳ رجبی معتقد است با کاهش روز افزون سود دهی بندر بوشهر، انگلیسی‌ها در سال ۱۱۹۱ق. / ۱۷۷۷م. تصمیم گرفتند ایران را ترک کنند، اما ترس از خشم کریم خان مانع از این اقدام گردید و چند بازرگان در بوشهر باقی ماندند. (رجبی، ۲۵۳۵: ۲۲۶)

۲۸ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

مهمی در برقراری ارتباطات زمینی داشتند، این موضوع منتفی شد؛ هر چند مقامات کمپانی تصمیم گرفتند نمایندگی بوشهر که تا آن زمان زیر نظر نمایندگی بصره اداره می‌شد، مستقل از بصره و تحت نظارت مستقیم مرکز کمپانی در بمبئی و تنها با یک عضو اداره شود. (امین، ۱۳۷۰: ۱۷۷-۱۷۶ / وهرام، ۱۳۸۵، ۱۳۸ / ۱۸۱۴: ۱۹۸۶. Lorimer) از این زمان به بعد نمایندگی بوشهر عملاً تعطیل بود و کمپانی به سمت تعامل با پس‌کرانه‌های جنوبی متمایل شده بود که این سیاست تامرگ کریم خان ادامه داشت. البته کریم خان در تعامل با کمپانی به دنبال دو هدف بود: الف) - استفاده از ناوگان دریایی آن، ب) - محوریت بوشهر به جای بصره که در این دو هدف ناکام ماند و کمپانی در اوج اختلاف خود با خان زند فقط یک نماینده در بوشهر گذاشته بود که پرچم را بالا و پایین می‌کشید.

پس از فتح بصره و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی انگلیسی‌ها در بوشهر تا مرگ کریم خان زند در سال ۱۱۹۳ ق. / ۱۷۷۹ م، در مناسبات دو کشور تغییری ایجاد نشد و نوعی آرامش بر آن حاکم بود.

منابع و مأخذ

الف. فارسی:

- آصف (رستم الحکما)، محمدهاشم (۱۳۵۲)، *رستم التواریخ*، به تصحیح: محمد مشیری، تهران: امیرکبیر.
- آل احمد، جلال (۲۵۳۶)، *جزیره خارک در یتیم خلیج فارس*، تهران: امیرکبیر.
- اصفهانیان، داوود و عبدالکریم مشایخی (۱۳۸۳)، «جایگاه بوشهر در گسترش خلیج فارس» *فصلنامه مطالعات تاریخی (ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد)*، شماره ۴ و ۳.
- الهی، همایون (۱۳۶۸)، *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: قومس.
- امین، عبدالامیر (۱۳۷۰)، *منافع بریتانیا در خلیج فارس*، ترجمه: علی رجیبی یزدی، تهران: دانشگاه تهران.
- برومند، صفورا (۱۳۸۱)، *سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- پری، جان. ر (۱۳۷۷)، «نمونه‌هایی از راهزنی دریایی در خلیج فارس» *میر مهنا و شهر دریاها، گردآوری: حسن زنگنه، قم: همسایه*.
- _____ (۱۳۸۳)، *کریم‌خان زند*، ترجمه: علی محمدی، تهران: آسونه.
- حاجیان پور، حمید، «کریم‌خان زند و انگلیس در خلیج فارس». *کیهان اندیشه*، ۱۳۷۷، شماره ۷۹.
- حسام معزی، نجفقلی (۱۳۲۶)، *تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا*، جلد دوم، به تصحیح: مرتضی کیوان، تهران: علمی.
- دلد، اسکندر (۱۳۶۳)، *سلطه جویان و استعمار گران در خلیج فارس*، تهران: نوین.
- رائین، اسماعیل (۱۳۵۰)، *دریانوردی ایرانیان*، تهران: چاپخانه سکه.
- رای، گرمون استفان (۱۳۷۸)، *چالش برای قدرت و ثروت در جنوب ایران*، ترجمه: حسن زنگنه، قم: نشر همسایه.
- رجیبی، پرویز (۲۵۳۵)، *کریم‌خان زند و زمان او*، تهران: امیرکبیر.
- روشن ضمیر، مهدی (۱۳۵۰)، «پژوهشی نو در زمینه روابط ایران با بیگانگان در سده ۱۲ هجری (بریتانیا)» *بررسی‌های تاریخی*، سال ششم، شماره ۲.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۴۳)، *تاریخ ایران*، جلد دوم، ترجمه: محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران: علمی.

۳۰ فصلنامه تاریخ روابط خارجی

- استندیش، جان . ف. (۱۳۸۳)، *ایران و خلیج فارس*، ترجمه: عبدالرضا سالار بهزادی، تهران: نشر نی.
- شعبانی، رضا (۱۳۸۱)، *تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه*. تهران: سمت.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۵۴)، *تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی انگلیس در ایران*، تهران: انجمن آثار ملی.
- فرامرزی، احمد (۱۳۴۶)، *کریم‌خان زند و خلیج فارس*، به کوشش: حسن فرامرزی، تهران: داورپناه.
- فلور، ویلیام (۱۳۷۱)، *هلندیان در جزیره خارک (خلیج فارس) در عصر کریم‌خان زند*، ترجمه: ابوالقاسم سری. تهران: توس.
- فوران، جان (۱۳۷۸)، *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران*. ترجمه: احمد تدین. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کارملیت‌ها (۱۳۸۱)، *گزارش کارملیت‌ها در دوران افشاریه و زندیه*، ترجمه: معصومه ارباب، تهران: نی.
- محمود، محمود (۱۳۵۳)، *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در سده نوزدهم میلادی*، تهران: اقبال.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۲)، «*حضور نیروهای خارجی در خلیج فارس از عهد پرتغالی‌ها تا پایان سده نوزدهم*» فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال چهارم. شماره ۱۴.
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۴)، «*کمپانی انگلیسی هند شرقی در ایران*» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال هجدهم، شماره سوم.
- _____ (۱۳۸۵). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند*، تهران: معین.
- نوابی، عبدالحسین (۱۳۸۴)، *کریم‌خان زند*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ویلسن، سرآرنولد (۱۳۶۶). *خلیج فارس*، ترجمه: محمد سعیدی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر.
- هدایتی، هادی (۱۳۳۴)، *تاریخ زندیه*، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۵)، *تاریخ روابط خارجی ایران*، چاپ یازدهم، تهران: امیرکبیر.
- یاب. مالکم (۱۳۷۷)، «*سیاست بریتانیا در خلیج فارس*» میر مهنا و شهر دریاها، گردآوری: حسن زنگنه، قم: نشر همسایه.

ب. انگلیسی:

- Aitchison. c. u. (1933). **A collection of Treaties, Engagements And Sanads**. Vol. 13. Calcutta.
- Ives. E. (1773). **A Journey form Persia to England**. London: Edward and Charles Dilly.
- Greaves. Rose. (1991). "**Iranian Relation with the European Trading Companies to 1798.**" *The Cambridge History of Iran*. Vol. 7. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lorimer. J. G.(1986). **Gazetter of the Persian Gulf**. Oxford: Archive Edition.
- Saldanha. J. A. (1986). **The Persian Gulf precis**. Calcutta: Archive Editons.
- Sykes. Sir Percy. (1992). **A History of Persia**. Oxford: Oxford University Press.